



دو نوشتار انتقادی در مورد خدای ترامپ و استفاده ابزاری او از آن برای توجیه تجاوز به
ایران

امور پژوهشی، آموزشی و ترویجی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

تابستان ۱۴۰۴

توضیحات مقدماتی کمیسیون:

تجاوز اسرائیل و آمریکا به ایران از جهات مختلف مورد نقد و بررسیهای گوناگون در سراسر دنیا واقع شد. آنها که تجاوز آمریکا را مورد تامل قرار دادند یکی از زاویای مورد بررسی اشان، نوع توجیهات ترامپ و نمایش های بعدی وی در این زمینه بود. قبل از تصمیم ترامپ برای تجاوز به ایران ، برخی از کارگزاران افراطی وی از جمله سفیر آمریکا در اسرائیل مقدماتی را مطرح کردند که ترامپ برای هر گونه اقدام در مورد پیوستن به اسرائیل در حمله به ایران منتظر است که از سوی خدا به وی الهام شود! خود ترامپ نیز بعد از حمله به ایران سخن از خدا به میان آورد و تلاش کرد تا جنایت خود را با استناد به وابستگی اش به خدا و تظاهر به دینداری توجیه کند . همین امر مورد توجه برخی از منتقدان در سطح جهانی قرار گرفت و تقریرات قابل توجهی در این زمینه منتشر گردید. امور پژوهشی کمیسیون دو مورد از مقالات منتشره را انتخاب و به فارسی برگردان نمود تا مخاطبان فارسی زبان امکان بهره برداری راحت تری داشته باشند و همه دریابیم که چگونه ممکن است سیاستمداران از دین و دینداری و خدا سو استفاده کنند و انواع جنایات را در زمین مرتکب شوند چنانچه در تاریخ بشری نمونه های متعدد یک چنین عملکردهایی وجود دارد.

در هر دو نوشتار برخی نکات توضیحی که لازم بوده برای فهم بهتر برخی واژه ها یا اصطلاحات ارائه شود از سوی امور پژوهشی کمیسیون در قالب زیر نویس ارائه گردیده که امید است مفید واقع شود. هر دو نوشتار به خوبی روشن ساخته اند که ترامپ با سابقه عملکرد منفی خویش در ابعاد گوناگون، تظاهر به دینداری اش فریبنده است و خدای او خدای توجیه گر جنایات است و خودشیفتگی وی زمینه هایی را فراهم آورده که خود را در جایگاه ویژه ای قرار دهد تا برخی مسیحیان اونجلیست نادان و متوهم او را تقدیس کنند و از هر جنایت وی حمایت نمایند. در این میان، البته اسرائیل بیشترین بهره را از ترامپ و حامیان افراطی وی می برد و نظم و عدالت جهانی به شدت تحت الشعاع تخریب های وی قرار گرفته است.

امور پژوهشی، آموزشی و ترویجی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران

تیرماه ۱۴۰۴

◆ نویسنده نوشتار اول : خانم بلن فرناندز ، نویسنده و ستون نویس نشریات مختلف جهانی از جمله الجزیره

◆ مآخذ : شبکه انگلیسی الجزیره، دوم جولای ۲۰۲۵

نویسنده نوشتار دوم : کوین آهرن ، متخصص اخلاق الهیاتی ، رئیس جنبش غیرروحانی کاتولیک ICMICA-Pax Romana و دانشیار مطالعات دینی در کالج منهتن

◆ مآخذ : سایت مجله آمریکا (www.americamagazine.org) ، ۲۶ ژوئن ۲۰۲۵

◆ متصدی روند برگردان انگلیسی به فارسی: امور پژوهشی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران، تیرماه ۱۴۰۴

◆ شناسه متن : ۰۴/۲/۲۰۸

هر گونه نقل مطالب گزارش حاضر یا باز نشر جزئی یا کلی آن با ذکر مآخذ و رعایت استناد به امور پژوهشی کمیسیون حقوق بشر اسلامی ایران، مجاز است.

متن نوشتار اول :

آیا خدا می‌خواست ترامپ به ایران حمله کند؟

با استناد به خدا برای بمباران ایران، ترامپ سنت مرگبار خشونت‌های توجیه‌شده دینی در ایالات متحده را احیا می‌کند

پس از دستور به ارتش ایالات متحده برای بمباران ایران در ماه گذشته، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، در کاخ سفید سخنرانی کوتاهی ایراد کرد تا به «حمله دقیق گسترده» ای که به گفته او «تهدید هسته‌ای از سوی بزرگ‌ترین کشور حامی تروریسم در جهان را متوقف کرده» تبریک بگوید، این سخنرانی که کمتر از چهار دقیقه به طول انجامید، با ذکر نام خدا پنج بار طی هفت ثانیه به پایان رسید: «و من می‌خواهم از همه تشکر کنم و به‌ویژه از خدا. فقط می‌خواهم بگویم، "خدایا، ما تو را دوست داریم و ارتش بزرگمان را دوست داریم - از آن‌ها محافظت کن." خدا خاورمیانه را حفظ کند، خدا اسرائیل را حفظ کند، و خدا آمریکا را حفظ کند.»

البته، پیش از آن‌که به رگباری از نام‌بردن از خدا توسط مردی برسیم که هرگز فردی به‌طور خاص مذهبی نبوده، واژگان به‌کاررفته در سخنرانی ترامپ خود به‌شدت مسئله‌ساز بود. برای شروع، ایران اساساً شرایط لازم برای عنوان «بزرگ‌ترین کشور حامی تروریسم در جهان» را ندارد؛ این عنوان مدت‌هاست که به ایالات متحده تعلق دارد - کشوری که برخلاف ایران، تمام تاریخ معاصر خود را صرف بمباران و آزار مردم در گوشه‌وکنار جهان کرده است. ایالات متحده همچنین همچنان به عنوان اصلی‌ترین حامی دولتی اسرائیل عمل می‌کند - کشوری که سیاست دیرینه‌اش برای ایجاد رعب و وحشت در میان فلسطینی‌ها و سایر اعراب، اکنون به اوج خود در قالب یک نسل‌کشی تمام‌عیار در نوار غزه رسیده است؛ جایی که اسرائیل تلاش دارد نه‌تنها ساکنان بلکه خود سرزمین را نیز نابود کند، اما به‌هرحال، [بنا به خواسته عجیب ترامپ] «خدا اسرائیل را حفظ و برکت دهد.»!

البته، این نخستین باری نبود که ترامپ برای تأیید رخدادهای زمینی به خدا متوسل می‌شود. در سال ۲۰۱۷، در جریان نخستین دوره ریاست‌جمهوری‌اش، خداوند در بیانیه رسمی ترامپ پس از حمله نظامی ایالات متحده به سوریه نیز چندین بار حضور داشت. به‌نظر می‌رسد که خدا [ی مورد نظر ترامپ] - دست کم در روایت ترامپ - هیچ‌گاه از جنگ سیر نمی‌شود.

خدا در ژانویه ۲۰۲۵ بازگشتی پررنگ داشت و در مرکز توجه سخنرانی تحلیف ترامپ قرار گرفت - یادآوری دیگری بر این واقعیت که جدایی دین از دولت، یکی از شفاف‌ترین ارکان نفاق‌گونه‌ی «دموکراسی» آمریکایی باقی مانده است. در این سخنرانی، رئیس‌جمهور دلیل واقعی زنده ماندنش از سوءقصد پرسروصدای ژوئیه ۲۰۲۴ در پنسیلوانیا را فاش کرد: «خدا من را نجات داد تا آمریکا را دوباره عظمت ببخشم.»!

بخشی از این "عظمت بخشی دوباره" قرار بود تمرکز بر خودمان باشد، نه - مثلاً - گرفتار شدن در جنگ‌های دیگران در آن سوی دنیا. اما مزیت داشتن [چنین] خدایی در کنار خود این است که واقعاً نیازی به توضیح دادن زیاد نیست؛ چون در نهایت، همه چیز به اراده الهی نسبت داده می‌شود.

در واقع، افزایش تکیه ترامپ بر نام خدا را به سختی می‌توان به عنوان یک «لحظه بازگشت به ایمان» یا اقبال ناگهانی به مذهب تفسیر کرد. بلکه این زبان دین محور، ابزاری کارآمد در جلب حمایت مسیحیان انجیلی سفیدپوست است - گروهی که بسیاری از آن‌ها همین حالا هم ترامپ را به چشم نجات‌دهنده‌ای زمینی می‌بینند، به‌ویژه به دلیل «جنگ جهانی شجاعانه» اش علیه سقط جنین و دیگر اقداماتش برای تحمیل رنج بر فقرا و اقشار آسیب‌پذیر.

دل‌بستگی انجیلی‌ها به اسرائیل نیز باعث شده ترامپ در آن جبهه امتیاز نجات‌بخشی بزرگ را کسب کند. برای نمونه، در سال ۲۰۱۹، ترامپ در توئیتر از وین آلن روت - مجری محافظه‌کار رادیو، یهودی سابق و انجیلی فعلی، و تئوری‌پرداز توطئه شناخته‌شده - به‌خاطر «سخنان بسیار زیبا» اش تشکر کرد. از جمله اینکه ترامپ را «بهترین رئیس‌جمهور برای اسرائیل در تاریخ جهان» خوانده بود و گفته بود که یهودیان اسرائیلی «او را مثل پادشاه اسرائیل دوست دارند.» و نه فقط این: طبق گفته روت، اسرائیلی‌ها همچنین «او را آن‌گونه دوست دارند که انگار ظهور دوم خداست.»!

بدیهی‌ست که کسی با خودبزرگ‌بینی در حد و اندازه ترامپ، مشکلی با نقش‌آفرینی در جایگاه خدا ندارد - به‌ویژه وقتی که باور دارد هر گفته‌اش باید فوراً به واقعیت بدل شود، درست مانند روایت آفرینش در کتاب مقدس.

مایک هاکی، فرماندار پیشین آرکانزاس و انجیلی پرشور که زمانی اعلام کرده بود «چیزی به نام فلسطینی وجود ندارد» و اکنون به‌عنوان سفیر ترامپ در اسرائیل خدمت می‌کند، سهم خود را در تقویت عقده مسیحایی ترامپ ایفا کرده است. او در پیامی متنی به ترامپ نوشت: «من باور دارم که تو از آسمان می‌شنوی... تو این لحظه را نطییدی، این لحظه تو را طلب کرد!»

با این حال، ترامپ تنها رئیس‌جمهور ایالات متحده نیست که از «ارتباطات جنگی» با خدا لذت برده است. به یاد بیاورید سال ۲۰۰۳ را، زمانی که جورج دبلیو بوش، رئیس‌جمهور وقت و معمار «جنگ علیه ترور»، به وزرای فلسطینی اطلاع داد که در حال انجام «مأموریتی از سوی خدا» است.

نبیل شعث، وزیر خارجه [وقت تشکیلات خودگردان] فلسطین، بعدها بخش‌هایی از صحبت‌های بوش را این‌گونه نقل کرد: «خدا به من گفت: "جورج، برو و با تروریست‌ها در افغانستان بجنگ." و من انجام دادم. بعد خدا گفت: "جورج، برو و به استبداد در عراق پایان بده." و من انجام دادم.»

البته، ترامپ کسی نیست که علاقه‌ای به دستور گرفتن داشته باشد - حتی اگر از سوی قدرتی آسمانی باشد. اما کاملاً روشن کرده که برای منافع سیاسی‌اش هیچ ابایی از نزدیکی با خدا ندارد.

برخی از مسیحیان انجیلی باور دارند که ناآرامی‌های کنونی در خاورمیانه می‌توانند به تسریع «آخر الزمان» و ظهور دوم مسیح منجر شوند - به عبارتی، هرچه جنگ بیشتر، بهتر. و هرچه بیشتر بتوان خدا را متحد و همراه ویرانگری‌های آمریکا و اسرائیل نشان داد، بهتر برای خیال‌پردازی‌های ترامپ درباره الوهیت خودش!



شنیدن اینکه ترامپ پس از بمباران ایران، در جشن کورپوس کریستی به خدا توسل می کند

« بابا، الان در جنگ هستیم؟ » این سوالی بود که فرزند ده ساله ام با نگرانی پرسید، وقتی خبر ورود ایالات متحده به آخرین جنگ در خاورمیانه از رادیوی ماشین پخش شد. وقتی به سخنرانی رئیس جمهور دونالد ترامپ پس از بمباران ایران گوش می دادیم، نتیجه گیری قابل توجه او را شنیدیم: «می خواهم فقط بگویم، خدایا ما تو را دوست داریم، و ما ارتش بزرگمان را دوست داریم. از آنها محافظت کن. خدا خاورمیانه را حفظ کند. خدا اسرائیل را حفظ کند، و خدا آمریکا را حفظ کند.»

در حالی که برای یک رئیس جمهور چیز جدیدی نیست که سخنرانی خود را با توسل به خدا به پایان برساند، من آرام آرام به این فکر می کردم که در اینجا به چه نوع خدایی متوسل می شود - و من، به عنوان یک شهروند آمریکایی، والدین [کودک] و الهی دان کاتولیک، چگونه باید پاسخ دهم.

برای کاتولیک ها، حملات به ایران، به ویژه با توجه به تردیدهای فراینده کلیسا در مورد احتمال هرگونه جنگ عادلانه، پرسش های اخلاقی، معنوی و حقوقی مهمی را مطرح می کند. برای مثال، پاپ فرانسیس^۱ در حکم اعلامی خود با عنوان فراتلی توتی (FRATELLI TUTTI)^۲ تعهد کاتولیک ها به حاکمیت قانون و کار سازمان ملل متحد در میانجیگری صلح را مجدداً تأیید کرد. فرانسیس با اشاره به مباحث سال ۲۰۰۳ پیش از جنگ پیشگیرانه ایالات متحده در عراق، در بخشنامه ۲۰۲۰ خود هشدار داد که «جنگ را می توان به راحتی با توسل به انواع بهانه های به اصطلاح بشردوستانه، دفاعی یا احتیاطی و حتی توسل به دستکاری اطلاعات انتخاب کرد.» او ادامه داد، این امر می تواند به

^۱ پاپ فرانسیس رهبر مسیحیان کاتولیک جهان در ۲۱ آوریل ۲۰۲۵ میلادی فوت نمود و هم اینک پاپ لئو چهاردهم (با نام شناسنامه ای رابرت فرانسیس پرئوست) جایگزین وی شده است.

^۲ شایان ذکر است که سایت منتشره این نوشتار لینک حکم یا اثر معروف پاپ فرانسیس با عنوان «فراتلی توتی» یا اثری در مورد همبستگی و اخوت انسانی را که به زبانهای مختلف قابل مطالعه است، بشرح زیر در دسترس قرار داده است:

https://www.vatican.va/content/francesco/en/encyclicals/documents/papa-francesco_20201003_enciclica-fratelli-tutti.html

در رسانه های فارسی نیز همان سال صدور آن یعنی ۱۳۹۹ شمسی بازتاب هایی این حکم یا کتاب منتشره داشته است. به عنوان مثال دو مورد زیر :

<https://adyannews.com/60942/%D8%B2%D8%A8%D8%A7%D9%86%DB%AC-%D8%AC%D8%AF%DB%AC%D8%AF-%D8%A8%D8%B1%D8%A7%DB%AC-%D9%87%D9%80%D8%A8%D8%B3%D8%AA%DA%AF%DB%AC-%D9%80%D8%B3%D9%84%D9%80%D8%A7%D9%86%D8%A7%D9%86-%D9%88-%DA%A9%D8%A7%D8%AA/>

<https://www.isna.ir/news/99071309896/%D8%A7%D9%86%D8%AA%D9%82%D8%A7%D8%AF-%D9%BE%D8%A7%D9%BE-%D8%A7%D8%B2-%D8%B3%DB%AC%D8%A7%D8%B3%D8%AA-%D9%87%D8%A7%DB%AC-%D8%A7%D9%82%D8%AA%D8%B0%D8%A7%D8%AF%DB%AC-%D9%86%D8%A7%D8%B9%D8%A7%D8%AF%D9%84%D8%A7%D9%86%D9%87-%D9%88-%D9%BE%D8%B3%D8%B1%D9%81%D8%AA-%D8%AC%D9%87%D8%A7%D9%86>

برخی اجازه دهد به اشتباه توجیه کنند «حتی حملات یا اقدامات جنگی «پیشگیرانه» را که [اغلب] منجر به «شر و بی‌نظمی‌های شدیدتر از شری که [ادعا میشود] باید از بین برود» می‌شوند. (شماره ۲۵۸).

پاپ لئو چهاردهم، درخواست خود را برای اجرای موازین بین‌المللی و دیپلماسی که در اثر معروف «براتلی توتی» آمده است، تکرار کرد. ساعاتی پس از آغاز بمباران ایالات متحده در روز یکشنبه، او در دعای تجلی حضرت عیسی (Angelus prayer) درخواست کرد: «بگذارید دیپلماسی، اسلحه‌ها را ساکت کند!» این پاپ متولد شیکاگو، این درخواست را در سخنرانی هفتگی خود تکرار کرد: «باشد که تمام منطق ظلم و انتقام رد شود و باشد که مسیر گفتگو، دیپلماسی و صلح با قاطعیت انتخاب شود.»

پس آن دسته از ما که خود را کاتولیک آمریکایی می‌دانیم، چگونه باید واکنش نشان دهیم؟ آن شب در حین رانندگی به سمت خانه، دلم به جشنی که آخر آن هفته برگزار می‌گردید، گرم شد. با خودم فکر می‌کردم که جشن کورپوس کریستی (Corpus Christi)، جشن مقدس‌ترین بدن و خون مسیح، چه چیزی می‌تواند برای ما داشته باشد، در حالی که ایالات متحده وارد جنگ نا عادلانه و احتمالاً غیرقانونی دیگری در منطقه شده است.

این جشن، نقطه مقابل خدای جنگ، قدرت و انتقامی است که امروزه بسیاری به آن متوسل می‌شوند. با این حال، در جشن گرفتن روز عید با دسته‌های شرکت کننده در مراسم و تکریم رسمی، این واقعیت [معنایی] گسترده‌تر و عمیق‌تر اغلب می‌تواند گم شود؛ ممکن است پیامدهای اجتماعی اساسی اعلام حضور واقعی عشای ربانی^۳ را فراموش کنیم.

پاپ فرانسیس در آخرین مراسم جشن کورپوس کریستی در سال ۲۰۲۴، به ما یادآوری کرد که چگونه عشای ربانی «با ما از خدایی سخن می‌گوید که دور نیست، حسود نیست، بلکه نزدیک و در همبستگی با بشریت است؛ خدایی که ما را رها نمی‌کند، بلکه همیشه ما را می‌جوید، منتظر می‌ماند و همراهی می‌کند، حتی تا جایی که [تجلی] خود را در دستان درمانده [و دعاکننده] ما قرار می‌دهد. و حضور واقعی او همچنین ما را دعوت می‌کند تا در هر کجا که عشق ما را فرا می‌خواند، به برادران و خواهران خود نزدیک باشیم.» همانطور که در موعظه‌های قبلی برای آن جشن گفته شد، فرانسیس سپس این راهپیمایی را به عنوان راهی برای رفتن به خیابان‌هایی که «در اثر جنگ به ویرانه تبدیل

^۳ عشای ربّانی یا شام خداوند یا آیین سپاسگزاری یکی از هفت آیین مقدس (هفت‌راز) است که تقریباً در تمام شاخه‌های مسیحیت به انجام می‌رسد. به آن تقسیم مقدس (Holy Communion)، راز محراب (the Sacrament of the Altar)، راز خجسته (Blessed Sacrament) هم گفته شده‌است. شیوه اجرای این آیین در میان شاخه‌های مختلف مسیحیان اندکی متفاوت است، اما چند مسئله در مورد این آیین در میان تمام شاخه‌ها مشترک می‌باشد.

شده‌اند» توصیف کرد تا «عطر خوب و تازه نان عشق را به دنیای خود بازگردانیم، تا خستگی‌ناپذیر به امید و بازسازی آنچه نفرت نابود می‌کند، ادامه دهیم.»

دوروتی دی (Dorothy Day) نیز مانند بسیاری دیگر از خادمان خدا، این پیوندهای عمیق را درک می‌کرد. فعالیت اجتماعی و صلح‌طلبی او عمیقاً تحت تأثیر الهیات بدن عرفانی و این باور بود که از طریق غسل تعمید و عشای ربانی، ما با دیگران در سراسر مرزها مرتبط هستیم. به عنوان مثال، او در سخنرانی خود در چهل و یکمین کنگره بین‌المللی عشای ربانی در سال ۱۹۷۶، خاطرنشان کرد که این تاریخ با سالگرد بمباران هیروشیما توسط ایالات متحده همزمان شده است و آمریکایی‌ها را به توبه ترغیب کرد. او گفت: «در غیر این صورت، ما به ناحق در مراسم عشای ربانی شرکت می‌کنیم.»

ما این ارتباط را در طراحی آیین عبادی می‌بینیم. پس از نشان صلح، «آگنوس دی» (Agnus Dei) را می‌خوانیم، جایی که در حضور عناصر تقدیس‌شده، از خدایی که «گناهان جهان را از بین می‌برد» می‌خواهیم که «به ما صلح عطا کند». اما این یک پرستش یا پذیرایی منفعلانه نیست. همان کسی که ما را در عشای ربانی به رابطه‌ای صمیمی با خود دعوت می‌کند، کسی که گناهان ما را از بین می‌برد، ما را نیز تشویق می‌کند که ایمان خود را به عمل در آوریم، صلح‌جو شویم و دشمنان خود را دوست داشته باشیم.

همانطور که [دوروتی] دی و [پاپ] فرانسیس هر دو می‌دانستند، این کار آسان نیست؛ این یک دیدگاه سطحی و غیرواقعی از دین [دارای جوهره] «مراقبت/ تقوا» نیست. یا، در نقل قولی که دی اغلب از برادران کارامازوف داستایوفسکی استفاده می‌کند، «عشق در عمل در مقایسه با عشق در روایا، چیزی سخت و سهمگین است.» شاید همین را بتوان در مورد [واقعیت] عشای ربانی گفت.

درست بیرون اورشلیم، یکی از کلیساهای مورد علاقه من، کلیسای دومینوس فلویت (به لاتین به معنای «خداوند گریست») قرار دارد. این فضای کوچک که در دهه ۱۹۵۰ ساخته شده و بر فراز کوه زیتون قرار دارد، از بیرون به شکل یک اشک است. پنجره‌ای شفاف در پشت محراب، مشرف به شهر اورشلیم است و یادآور صحنه‌ای از انجیل لوقا (۱۳:۳۴) است که در آن عیسی در حالی که به خشونت و جنگ آینده‌ای که توسط امپراتوری اشغالگر روم بر شهر آغاز می‌شود، می‌اندیشد، گریه می‌کند. بالای پنجره شیشه‌ای شفاف که مشرف به شهر مقدس است، طرح کلی نان و شراب، عناصری که در جشن عشای ربانی کورپوس کریستی وجود دارند، دیده می‌شود.

همچنان که در طول سال عبادی به تجلیل و تکریم حضور واقعی مسیح ادامه می‌دهیم، شاید یکی از واکنش‌های ما این باشد که در گریه به مسیح پیوندیم. باشد که برای مادران و پدرانی که در سراسر سرزمین مقدس در سوگ از دست دادن فرزندشان هستند، گریه کنیم. باشد که برای کودکانی که در وحشت به خواب می‌روند، گریه کنیم. هم چنین برای کسانی که از والدین خود درباره جنگ می‌پرسند. باشد که دعا کنیم که اشک‌های ما، مانند اشک‌های

مسیح، با عرق ریختن ناشی از عمل [شایسته] همراه شود. و مانند راهپیمایی‌های کورپس کریستی، باشد که به خیابان‌ها برویم و برای «بازسازی آنچه نفرت ویران می‌کند» تلاش کنیم.

